فصلنامه حسابداری مالی/سال دهم/ شماره ۳۹ /پاییز ۹۷/صفحات ۱۶۹- ۱۴۱

بررسی تأثیر گرایش طرز فکر تفسیر بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس: مبتنی بر نظریه سطح تفسیر فاصله روانی

کاظم جاویدی*
رمضانعلی رؤیایی**
قدرت اله طالب نیا ***
بهمن بنی مهد****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر بر اساس نظریه سطح تفسیر از فاصله روانی شکل‌گرفته است. این نظریه، بر نقش حیاتی تفسیر ذهنی (بازنمایی ذهنی) در قضاوت و تصمیم‌گیری فردی تأکید می‌کند و سطح انتزاع (تجرید) را به‌عنوان یک ویژگی متمایز از تفسیرهای متعدد ذهنی معرفی می‌کند که به نوبه خود بر ارزیابی، پیش‌بینی و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر گرایش طرز فکر تفسیر بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان است؛ به‌عبارت‌دیگر، هدف پژوهش حاضر، بررسی این موضوع است که چگونه درجه تفکر سطح بالا (تفکر انتزاعی) سبب می‌شود انجام یک کار حسابرسی، قضاوت حسابرسان در کارهای بعدی را تحت تأثیر قرار دهد حتی زمانی که کار جدید، نه به همان صاحب‌کار و نه به حوزه کار قبلی مرتبط است. قلمرو زمانی پژوهش حاضر سال ۱۳۹۶ و جامعه آماری آن، حسابرسان مستقل شاغل در حرفه

*دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: kjavidi62@yahoo.com
**استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: r.royaee@srbiau.ac.ir
***دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: talebnia@srbiau.ac.ir
****دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، تهران، ایران.
Email: Banimahad@kiau.ac.ir

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

حسابرسی است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه ۲۱۱ نفر تعیین گردید. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است که پرسشنامه از طریق مراجعه حضوری، ایمیل و فاکس به حسابرسان مستقل ارسال شد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی دو نمونه مستقل، مدل‌های تحلیل واریانس و رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حسابرسانی که گرایش طرز فکر انتزاعی در نتیجه کار حسابرسی قبلی نامرتبط اتخاذ کرده‌اند نسبت به همتایان خود که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند ارزیابی احتمال پایین‌تری برای وقوع یک رویداد ارائه می‌کنند. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فاصله روانی به‌طور نظام‌مند قضاوت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: فاصله روانی، قضاوت و تصمیم‌گیری، نظریه سطح تفسیر، طرز فکر انتزاعی، طرز فکر واقعی.

۱- مقدمه

اعضای حرفه حسابداری، بازیگران سازمانی و در کل تصمیم‌گیرندگان به طور معمول درباره اقدامات، وضعیت‌ها، اشیاء، اشخاص یا رویدادهای خارج از قلمرو تجربه مستقیم خود فکر می‌کنند. به این معنی که آن‌ها در مورد آینده یا گذشته، مکان‌های دور به جای مکان‌های نزدیک، ادراک یا تجربیات افراد دیگر و یا رویدادهای فرضی به جای رویدادهای واقعی فکر می‌کنند. آنها همچنین بر اساس این افکار برنامه‌ریزی‌هایی می‌کنند، قضاوت‌هایی ارائه می‌کنند و انتخاب‌هایی انجام می‌دهند. به بیان گسترده‌تر، افراد، اغلب افکار خود را به دور از آنچه که آنها در واقع خودشان در مکان فعلی‌شان (اینجا) در حال حاضر (اکنون) تجربه می‌کنند هدایت می‌کنند (لیبرمن و تراپ[1]، ۲۰۰۸).

بر اساس نظریه سطح تفسیر[2]، هدایت افکار یک فرد دور از «اینجا» و «اکنون»، انتقال توجه به تجربیات افراد دیگر یا در نظر گرفتن رویدادهای فرضی، پیمایشی از فاصله مکانی (یعنی، دور از اینجا)، فاصله زمانی (یعنی، دور از اکنون)، فاصله اجتماعی (یعنی، دور از خود) و یا فاصله فرضیه‌ای (یعنی، دور از واقعیت) را تشکیل می‌دهد. طرفداران نظریه سطح تفسیر، استدلال می‌کنند که ظرفیت انسان برای پردازش انتزاعی اطلاعات به افراد اجازه پیمایش فاصله زمانی[3]،

1 Liberman and Trope
2 Construal Level Theory (CLT)
3 Temporal Distance

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

فاصله مکانی[۱]، فاصله اجتماعی[۲] و فاصله فرضیه‌ای[۳] را می‌دهد (لیبرمن، تراپ و واکسلاک[۴]، ۲۰۰۷). فرآیند شناختی انتزاع که با توجه به تمامی چهار بعد فاصله روانی[۵] عمل می‌کند، منجر به بازنمودهای ذهنی از درجه‌های مختلفی از انتزاع می‌شود که این امر به اندازه فاصله روانی بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، هر چقدر شیء مورد فکر یک فرد از خود در مکان و زمان فعلی همراه هر یک از ابعاد فاصله روانی (و یا ترکیبی از آنها) فاصله داشته باشد شیء با انتزاعی بیشتری بازنمود خواهد شد. نظریه سطح تفسیر به بازنمایی‌های ذهنی به‌عنوان تفسیرها اشاره می‌کند و آن تفسیرها را بر اساس درجه انتزاعشان متمایز می‌کند. بر این اساس، یک شیء یا رویداد ممکن است در یک سطح بالاتر یا پایین‌تر تفسیر شود که این امر به ادراک ذهنی افراد در مورد درجه‌ای که شیء یا رویداد از تجربه مستقیم به لحاظ فاصله زمانی، فاصله مکانی، فاصله اجتماعی یا فاصله فرضیه‌ای دور شده بستگی دارد. مهم‌تر این‌که شیوه بازنمایی ذهنی پیش‌بینی افراد و همچنین ارزیابی‌ها، ترجیحات و رفتار آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان ساده، هنگامی که افراد، درباره چیزی یا کسی که خارج از تجربه مستقیمشان قرار دارد فکر می‌کنند، فرایند انتزاع برای استخراج معنای اصلی و جنبه‌های مرکزی آن استفاده می‌شود. بر اساس نظریه سطح تفسیر، میزان انتزاع به‌کار برده شده، تحت تأثیر میزان دوری افکار فرد از تجربه مستقیم فرد قرار می‌گیرد. در نتیجه گفته می‌شود که افراد، گرایش طرز فکر انتزاعی[۶] (تفسیر سطح بالا[۷]؛ تفکر انتزاعی) و یا یک گرایش طرز فکر واقعی[۸] (تفسیر سطح پایین[۹]؛ تفکر واقعی) دارند (لیبرمن و تراپ، ۲۰۰۸).

کار کردن حسابرس بر روی چندین کار و برای صاحب‌کاران متعدد در یک دوره کاری، یک حقیقت رایج در صنعت خدمات اطمینان دهی است. بهاتاچرجی، مالِتا و مورنا[۱۰] (۲۰۱۳)، تأثیرات عمیق چنین محیط‌های کاری بر تصمیم‌گیری حرفه‌ای حسابرس و پیامدهای بعدی آن بر کارآیی و اثربخشی حسابرس را مورد توجه قرار دادند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کار کردن حسابرس بر روی چندین کار در یک دوره کوتاهی از زمان، قضاوت وی را تحت تأثیر قرار

1 Spatial Distance
2 Social Distance
3 Hypotheticality
4 Liberman, Trope and Wakslak
5 Psychological Distance
6 Abstract mindset orientation
7 High-Level Construal
8 Concrete mindset orientation
9 Low-level Construal
10 Bhattacharjee, Maletta and Moreno

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

می‌دهد. بااین‌وجود، پیامدهای چنین محیط‌های کار بر روی قضاوت حسابرسان در وضعیت‌هایی که کارهای متوالی، نه به همان صاحب‌کار و نه به لحاظ اطلاعات حوزه خاص، مربوط هستند تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. برای پرداختن به این شکاف پژوهشی، مطالعه حاضر، تأثیر طرز تفکر ناشی از اجرای یک کار حسابرسی بر تصمیم‌های بعدی حسابرس را مورد بررسی قرار می‌دهد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر بررسی می‌کند که چگونه انجام کارهای حسابرسی عادی ممکن است طرز فکر (ذهنیت) کلی حسابرسان و تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های بعدی آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی این موضوع است که چگونه درجه تفکر سطح بالا (تفکر انتزاعی) سبب می‌شود انجام یک کار حسابرسی، قضاوت حسابرسان در کارهای بعدی را تحت تأثیر قرار دهد حتی زمانی که کار جدید، نه به همان صاحب‌کار و نه به حوزه کار قبلی مرتبط است؛ بنابراین در این پژوهش بررسی می‌شود که آیا گرایش طرز فکر تفسیر، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

این پژوهش بر اساس نظریه سطح تفسیر از فاصله روانی شکل‌گرفته تا بررسی کند که چگونه انجام کارهای حسابرسی عادی که نیاز به درجه‌های مختلفی از تفکر انتزاعی دارد طرز فکر کلی تصمیم‌گیرندگان و قضاوت‌های بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظریه سطح تفسیر از فاصله روانی (لیبرمن و تراپ[1]، ۱۹۹۸)، به پژوهشگران حسابداری فرصتی برای به دست آوردن بینش جدید در مورد روش‌های اکتشافی و جهت‌گیری‌های مرتبط با افکار و تصمیمات و درک عمیق‌تر از قضاوت و تصمیم‌گیری در محیط‌های تصمیم تحت تأثیر فاصله ارائه می‌دهد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- فاصله روانی

فاصله روانی در مورد هر چیزی که در اینجا و اکنون نباشد صدق می‌کند. بر اساس نظریه سطح تفسیر، انسان در مورد هر چیزی که به او نزدیک‌تر است (نزدیک به لحاظ زمانی، مکانی یا اجتماعی) واقعی و مجردتر فکر می‌کند و در مقابل در مورد پدیده‌ها و مسائلی که از او دورتر است به طور انتزاعی می‌اندیشد. به نگاه اول تفسیر سطح پایین گفته می‌شود که در آن تمرکز بر جزئیات و چگونگی پدیده است ولی در نگاه دوم یا تفسیر سطح بالا تمرکز فرد بر دریافت یک تصویر کلی از ماجرا و چرایی آن است. بر اساس نظریه سطح تفسیر، مفهوم فاصله روانی

1 Liberman and Trope

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

(روان‌شناختی) دلالت بر معنای متقابل به اشتراک گذاشته شده توسط چهار بعد مرتبط فاصله یعنی فاصله زمانی (بین حال و آینده)، فاصله مکانی (بین موقعیت فیزیکی فرد و مکان‌های دور)، فاصله اجتماعی (بین خود فرد و افراد دیگر) و فاصله فرضیه‌ای (رویدادهای فرضی به جای واقعی) دارد. بر اساس نظر تراپ و لیبرمن (۲۰۱۰)، فاصله روانی اشاره به ادراکی دارد مبنی بر این‌که یک رویداد چه زمانی رخ می‌دهد، کجا رخ می‌دهد، برای چه کسی رخ می‌دهد و این‌که آیا رخ می‌دهد.

۲-۲- نظریه سطح تفسیر

نظریه سطح تفسیر بیان می‌کند که چگونه فاصله روانی، شناخت و رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نظریه بر نقش مهم تفسیر ذهنی (بازنمایی ذهنی) در قضاوت و تصمیم‌گیری فرد تأکید می‌کند و سطح انتزاع را به‌عنوان یک ویژگی متمایز از تفسیرهای متعدد ذهنی معرفی می‌کند که به نوبه خود، ارزیابی، پیش‌بینی و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نظریه سطح تفسیر که توسط لیبرمن و تراپ (۱۹۹۸)، ایجاد شد نشان می‌دهد که ادراک افراد از حوادث، رویدادها و مسائل اجتماعی، تحت تأثیر فاصله مکانی یا زمانی فرد از آنها قرار می‌گیرد. مخصوصاً، هنگامی که ارزیابی رویدادهای مکانی دور مورد نظر است، نظریه سطح تفسیر نشان می‌دهد که افراد تمایل دارند از ویژگی‌های مرکزی، انتزاعی و جهانی (تفسیر سطح بالا) استفاده کنند و هنگامی که رویدادهای نزدیک را ارزیابی می‌کنند، افراد تمایل دارند از ویژگی‌های محیطی، محلی و واقعی‌تر (تفسیر سطح پایین) استفاده نمایند. در پشتیبانی این نظریه، دیدگاهی است که بیان می‌کند، زمانی فرد از تجربه مستقیم یک رویداد حذف شود باعث می‌شود که اطلاعات در مورد این رویداد کمتر در دسترس و قابل اعتماد باشند بنابراین افراد، بیشتر به اطلاعات اولیه تکیه کنند. هنگامی که افراد، مدل‌های ذهنی انتزاعی را برای توصیف اطلاعات مربوط به یک رویداد دور استفاده می‌کنند، به‌طور کلی افراد بر ویژگی‌های اساسی و ضروری آن رویداد تکیه می‌کنند. از سوی دیگر هنگامی که افراد، مدل‌های ذهنی واقعی را برای توصیف اطلاعات مربوط به یک رویداد نزدیک استفاده می‌کنند آنها بر ویژگی‌های ماهیتی و ضمنی رویدادها تکیه می‌کنند. تفکر به صورت کلی و تمرکز بر تصویر بزرگ به‌عنوان تفکر انتزاعی نامیده می‌شود، در حالی که تفکر جزئیات گرا (تفصیلی) به‌عنوان تفکر واقعی نامیده می‌شود.

فرض اساسی نظریه سطح تفسیر این است که فاصله روانی به سطح تفسیر ذهنی گره خورده است به طوری که اشیاء دورتر، یعنی اشیائی که به لحاظ روانی دورتر از اینجا و اکنون هستند، در یک سطح بالاتر تفسیر خواهد شد و تفسیر سطح بالا اشیاء دورتر را به ذهن خواهد

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

آورد. دلیل اساسی برای ارتباط بین فاصله روانی و سطح تفسیر فرض شده که ناشی از دانش تفاضلی در مورد رویدادهای نزدیک و دور است؛ بعلاوه یک رویداد که از تجربه مستقیم حذف (دور) شده است، اطلاعات قابل اعتماد کمتری معمولاً در دسترس است که منجر به ساخت بازنمایی‌های ذهنی شماتیک‌تر (انتزاعی‌تر) می‌شود. علاوه بر این، ارتباط بین فاصله روانی و تفسیر ذهنی دو طرفه است به‌گونه‌ای که تفسیر سطح بالاتر (انتزاعی‌تر) افکار درباره اشیاء ازنظر روانی دورتر را به ذهن می‌آورد (تراپ و لیبرمن، ۲۰۱۰).

۲-۳- پژوهش‌های حسابداری مبتنی بر نظریه سطح تفسیر

تا به امروز تنها تعداد اندکی از مطالعات حسابداری بر اساس نظریه سطح تفسیر به‌عنوان یک‌پایه نظری شکل‌گرفته‌اند. در میان آنها چند مورد بررسی کرده‌اند که چگونه گرایش طرز فکر کلی، رفتار و قضاوت‌های تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعات نشان می‌دهد که گرایش طرز فکر، پیامدهای مهمی برای تصمیمات ارائه‌شده و اقدامات انجام شده توسط تصمیم‌گیرندگان حرفه‌ای (به‌عنوان مثال، بکوف، تایر و کارپنتر[1]، ۲۰۱۴؛ راسو[2]، ۲۰۱۳) و غیرحرفه‌ای (به‌عنوان مثال، الیوت، رنی کمپ و وایت[3]، ۲۰۱۴) دارد. پژوهش‌های حسابداری مدیریت نشان می‌دهد که اثربخشی انواع مختلف مشوق‌ها نه‌تنها به نوع کاری که مشوق قصد برانگیختن آن را دارد، بلکه به ملاحظات زمانی نیز بستگی دارد (مک فی[4]، ۲۰۱۴). پژوهش‌های حسابرسی مورد بررسی قرار داده‌اند که چگونه شک و تردید حسابرس تحت تأثیر (الف) شیوه‌ای که مدیریت شواهد درباره برآوردهای حسابداری پیچیده‌اش ارائه می‌کند (ارائه شفاهی در مقابل گرافیکی) و (ب) چارچوب قضاوت حسابرسان (ملاحظات چگونه در مقابل چرا) قرار می‌گیرد (بکوف و همکاران، ۲۰۱۴). راسو (۲۰۱۳) نشان داد که جهت‌گیری طرز فکر انتزاعی ناشی از دستورالعمل‌های ساده مستندسازی حسابرسی مبتنی بر نظریه سطح تفسیر، تردید حرفه‌ای حسابرسان را افزایش می‌دهد.

۲-۴- تأثیر گرایش طرز فکر تفسیر بر ارزیابی احتمال حسابرسان

پژوهش‌ها در مورد اثرات توالی کار و صاحب‌کار بر تصمیمات حسابرس (به‌عنوان مثال، لیندبرگ و مالتتا[5]، ۲۰۰۳؛ اودنییل و شولتز[6]، ۲۰۰۵؛ بهاتاچرجی و همکاران، ۲۰۱۳) اثرات

1 Backof , Thayer and Carpenter
2 Rasso
3 Elliott, Rennekamp and White
4 McPhee
5 Lindberg and Maletta
6 O'Donnell and Schultz

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

انتقال نامطلوب را به‌عنوان یک شکل رایج پردازش اطلاعات و خطاهای مرتبط با فراخوانی شناسایی کرده است. اثرات انتقال هنگامی رخ می‌دهد که حسابرسان به‌طور ناخودآگاه اجازه می‌دهند اطلاعات به دست آمده از کار بر روی یک کار یا صاحب‌کار حسابرسی قبلی قضاوت آنها در مورد کار و یا صاحب‌کار حسابرسی فعلی را تحت تأثیر قرار دهد. اودنییل و شولتز (۲۰۰۵) با تمرکز بر انجام کارهای متعدد برای یک صاحب‌کار نشان دادند که چگونه ارزیابی ریسک استراتژیک، حساسیت حسابرسان نسبت به نوسانات سطح حساب که متناقض با ارزیابی جامع آنها از مدل کسب و کار صاحب‌کارشان است را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تکمیل پژوهش اودنییل و شولتز (۲۰۰۵)، درباره اثرات قضاوت ناشی از انجام کارهای متعدد برای یک صاحب‌کار، بهاتاچرجی و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی با تمرکز بر اثرات قضاوت ناشی از انجام کارهای مشابه برای صاحب‌کاران متعدد انجام دادند. آنها یافتند که قرار گرفتن در معرض اطلاعات قضاوت همانند در محیط صاحب‌کاران متعدد باعث اثرات متناقضی می‌شود. لیندبرگ و مالتتا (۲۰۰۳)، در پژوهش خود نشان دادند که احتمال بروز خطاهای پیوستگی حافظه یک تابع پیچیده از ارتباط بین ردیابی حافظه و منشأ آن، هدف آن برای اهداف بازسازی حافظه و ریسک حسابرسی است. در کل، این مطالعات شواهدی همگرا درباره این‌که کار کردن بر روی چندین کار و چندین صاحب‌کار در یک دوره کوتاهی از زمان قضاوت‌های حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد ارائه می‌کند. این مطالعه از طریق بررسی این‌که آیا انجام کارهای حسابرسی عادی که نیاز به درجه‌های مختلفی از تفکر انتزاعی دارد طرز فکر کلی حسابرسان و از این رو قضاوت بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بر چنین سناریویی تمرکز می‌کند.

۲-۵- پیشینه داخلی

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، در کشور ما هیچ‌گونه پژوهش دانشگاهی انجام نگرفته است. حیرانی، وکیلی‌فرد، بنی‌مهد، و رهنمای رودپشتی (۱۳۹۵)، تأثیر شخصیت حرفه‌ای‌گرا، ضداجتماعی و بیش اعتمادی حسابرسان بر قضاوت آنها در حل تعارض میان حسابرس و مدیریت را بررسی کردند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که اعتماد بیش‌ازحد حسابداران رسمی و نیز شخصیت ماکیاولیسم آنها بر قضاوت حرفه‌ای تأثیرگذار است و قضاوت حرفه‌ای نقش تعدیل‌کننده در تأثیرگذاری اعتماد بیش‌ازحد و شخصیت ماکیاولیسم بر تعارض بین حسابرس و مدیریت ایفا می‌کند.

فروغی، جعفری و نادری بنی (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر قضاوت‌های اخلاقی در بین جامعه حسابداران رسمی ایران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که یک رابطه مثبت بین اهمیت آیین رفتار حرفه‌ای و ادراک حسابداران رسمی ایران از محیط اخلاقی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

سازمانشان با قضاوت اخلاقی آنها وجود دارد. بعلاوه رابطه معناداری بین پاسخ شرکت‌کنندگان بر مبنای طبقه شغلی آنها و سطح تحصیلاتشان با نظراتشان وجود ندارد.

حاجیها، گودرزی و فتاحی (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان ارتباط ویژگی‌های تردید حرفه‌ای حسابرسان و قضاوت و تصمیم‌گیری آنها انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد چهار ویژگی تردید اعتماد فردی، تعلیق در قضاوت، منبع کنترلی و شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان مؤثرند.

۲-۶- پیشینه خارجی

پژوهش در زمینه نظریه سطح تفسیر ابتدا در سال ۱۹۹۸ توسط لیبرمن و تراپ شکل گرفت و شدت فزاینده‌ای در سال ۲۰۰۶ یافت. امروز، نظریه سطح تفسیر به‌عنوان یک نظریه معاصر برجسته در حوزه روانشناسی و چارچوبی جامع برای قضاوت و تصمیم‌گیری محسوب می‌شود.

فونگ‌هان، سمیرا و جن-مارک[1] (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان نظریه سطح تفسیر و نزدیکی ادراک شده در بازارهای نوظهور، شواهدی از ویتنام انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بازارهای نوظهور توجه زیادی از خرده‌فروشان بین‌المللی را به خود جلب کرده است و شرکت‌ها به منظور بقا، باید راه جدیدی را برای پردازش نزدیک‌تر مشتریان خود به منظور درک عمیق‌تر از ادراکات و رفتارهای آنها پیدا کنند.

وایب، باسیل و رونتی[2] (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان فاصله روان‌شناختی و اثربخشی مصرف‌کننده ادراک شده در یک زمینه بازاریابی مرتبط با علت انجام دادند. پژوهش آنها به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه سطح تفسیر (حالت فاصله روانی نزدیک/ دور) و اثربخشی مصرف‌کننده ادراک شده، پاسخ به درخواست‌های بازاریابی مرتبط با علت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که سطوح بالاتری از تأثیر مثبت و قصد خرید برای حالت به لحاظ روانشناسی نزدیک (در مقابل دور)، در همه چهار نوع تفسیر (زمانی، فضایی، فرضی و اجتماعی) وجود دارد.

ویسنر[3] (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان سه مطالعه درباره بررسی تأثیر فاصله روانی بر قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری انجام داد. نتایج مطالعه تجربی اول وی بیان می‌کند که حسابرسانی که در نتیجه کار حسابرسی قبلی طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به حسابرسانی که در

1 Phuong Hanh , Samira and Jean-Marc
2 Wiebe, Basil and Runté
3 Weisner

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

نتیجه کار حسابرسی قبلی طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند ارزیابی احتمال پایین‌تری ارائه می‌کنند به عبارتی گرایش ذهنی تفسیر بر ارزیابی احتمال حسابرسان تأثیر می‌گذارد.

چند مطالعه حسابداری مبتنی بر نظریه سطح تفسیر ابعاد خاص فاصله روانی را از طریق بررسی اثرات فاصله مکانی (ویسنر و ساتون[1]، ۲۰۱۵، الیوت و همکاران، ۲۰۱۴) و اثرات فاصله زمانی (وایت[2]، ۲۰۱۴) بر قضاوت و رفتار مورد بررسی قرار داده است. ویسنر و ساتون (۲۰۱۵) نشان دادند که تصمیم اتکای حسابرسان بر کار متخصص دورکاری انتصابی توسط مدیریت، با تجربه تاریخی حسابرس در رابطه با عملکرد حسابرسی داخلی صاحب‌کار ارتباط متقابل دارد.

در زمینه حسابداری مالی، الیوت و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که سرمایه‌گذاران بیشتر تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکتی دارند که زبان واقعی، به جای زبان انتزاعی، در بروشور سرمایه‌گذاری برجسته شده است. وایت (۲۰۱۴) با تمرکز بر اثرات فاصله زمانی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، نشان داد که چشم‌انداز زمانی سرمایه‌گذاران حساسیت آنها به عدم اطمینان افشا شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بکوف و همکاران (۲۰۱۴) با انجام پژوهش‌هایی در حوزه حسابرسی بررسی کردند که چگونه تردید حرفه‌ای حسابرس تحت تأثیر روشی که مدیریت شواهد در زمینه برآوردهای حسابداری پیچیده (ارائه شفاهی در مقابل نمودار) ارایه می‌کنند و همچنین چارچوب قضاوت حسابرسان (ملاحظات چگونه در برابر چرا) قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارائه تصویری در مقایسه با تعاملات شفاهی، شناسایی (کشف) انحرافات روندی را تسهیل می‌کند.

راسو (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان فاصله روانی: ارتباط بین تفسیر، طرز فکر و تردید حرفه‌ای انجام داد. هدف مطالعه وی بررسی تأثیر تفسیر (فاصله روانی) و طرز فکرهای متفاوت بر تردید حرفه‌ای حسابرسان بود. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد حسابرسان دارای طرز فکر شورایی (مبتنی بر تأمل و مشاوره) نسبت به حسابرسان دارای طرز فکر ابزاری، تردید حرفه‌ای بالاتری را هنگام جمع‌آوری و ارزیابی شواهد ابراز خواهند داشت.

۳- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس واکسلاک و تراپ[3] (۲۰۰۹)، رابطه معکوس بین احتمال و گرایش طرز فکر تفسیر، صرف‌نظر از این‌که گرایش طرز فکر کلی از طریق یک کار مرتبط و یا نامرتبط شکل‌گرفته،

1 Weisner and Sutton
2 White
3 Wakslak and Trope

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

حفظ می‌شود. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود حسابرسانی که جهت‌گیری ذهنی انتزاعی (در نتیجه انجام یک کار حسابرسی قبلی که نیاز به تفکر انتزاعی داشته) اتخاذ کرده‌اند نسبت به حسابرسانی که ابتدا در کاری که نیاز به تفکر واقعی (جهت‌گیری ذهنی واقعی) داشته کارکرده‌اند احتمال مربوط به کار قضاوت بعدی نامرتبط را در سطح پایین‌تری ارزیابی خواهند کرد. مطابق با نظریه سطح تفسیر، همچنین پیش‌بینی‌شده که این نتیجه صرف‌نظر از این‌که ارزیابی احتمال مربوط به وقوع یک رویداد یا مکمل آن (یعنی، احتمال عدم وقوع رویداد) باشد حفظ شود؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش به این صورت بیان می‌شود:

فرضیه اول: گرایش طرز فکر تفسیر، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌طوری‌که حسابرسانی که طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند در مقایسه با حسابرسانی که طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند (در نتیجه کار حسابرسی قبلی)، ارزیابی احتمال پایین‌تری برای وقوع یک رویداد ارایه می‌کنند.

قابل‌ذکر است تأثیر طرز فکر تفسیر بر ارزیابی احتمال پیش‌بینی‌شده توسط نظریه سطح تفسیر و بیان‌شده به‌عنوان یک اثر اصلی در فرضیه اول، کانون کار ارزیابی احتمال (وقوع یا عدم وقوع) را متمایز نمی‌کند. به لحاظ منطق احتمال، ارزیابی احتمال نسبتاً پایین برای وقوع یک رویداد (در نتیجه اتخاذ طرز فکر انتزاعی) باید با ارزیابی احتمال نسبتاً بالا برای عدم وقوع آن رویداد تکمیل شود تا مجموع احتمال ترکیبی برابر یک شود. در مقابل، ارزیابی احتمال نسبتاً بالا برای وقوع یک رویداد (در نتیجه اتخاذ گرایش طرز فکر واقعی) باید با ارزیابی احتمال نسبتاً پایین برای عدم وقوع همان رویداد تکمیل شود تا مجموع احتمال ترکیبی برابر یک شود. بااین‌حال، اگر هر دوی این الزامات برآورده شود، پیش‌بینی بیان‌شده در فرضیه اول حفظ نخواهد شد چون احتمال مکمل مرتبط با حالت طرز فکر انتزاعی بزرگ‌تر از احتمال مکمل مرتبط با حالت طرز فکر واقعی خواهد بود؛ بنابراین، پیش‌بینی مبتنی بر نظریه سطح تفسیر دلالت می‌کند که تورش ارزیابی احتمال باید معرفی شود. چنین تورشی می‌تواند در احتمالات ترکیبی (یعنی احتمالات ارزیابی شده برای هر دوی وقوع و عدم وقوع رویداد) برای یک یا هر دو حالت طرز فکر تفسیر منعکس شود.

بااین‌حال، با توجه به اینکه طرز فکر واقعی، طرز فکر پیش‌فرض است (مالکوس، زابرمن و بتمن[۱]، ۲۰۱۰)، احتمالات ترکیبی کمتر از ۱ در حالت طرز فکر انتزاعی و نزدیک به ۱ در حالت طرز فکر واقعی مورد انتظار است. این، به نوبه خود، به تورش ارزیابی احتمال ایجاد شده

۱ Malkoc, Zauberman and Bettman

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

در حالت گرایش طرز فکر انتزاعی اشاره دارد. همان‌طورکه واکسلاک و تراپ (۲۰۰۹) بیان کردند انتزاع نه‌تنها ارزیابی احتمال فرد برای وقوع یک رویداد (به‌عنوان مثال، احتمال وقوع الف) را پایین می‌آورد، بلکه همچنین ارزیابی احتمال برای مکمل آن رویداد (احتمال عدم وقوع الف) را کاهش می‌دهد.

این استدلال بهتر است از طریق یک مثال توضیح داده شود. فرض کنید حسابرسانی که طرز فکر واقعی دارند احتمال وقوع یک رویداد را ۰/۸۰ ارزیابی می‌کنند حال آن‌که حسابرسانی که طرز فکر انتزاعی دارند احتمال وقوع همان رویداد را ۰/۷۰ ارزیابی می‌کنند (یعنی کمتر؛ همان‌طور که بر اساس نظریه سطح تفسیر پیش‌بینی می‌شد). بر اساس این ارزیابی‌های اولیه، احتمالات مکمل به ترتیب ۰/۲۰ و ۰/۳۰ خواهد بود. بااین‌حال، نظریه سطح تفسیر بیان می‌کند حسابرسانی که طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند احتمال مرتبط با عدم وقوع رویداد را نیز کمتر از حسابرسانی که طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند ارزیابی خواهند کرد. بنابراین، حسابرسان دارای طرز فکر انتزاعی ممکن است احتمال ۰/۱۵ (به جای احتمال ۰/۳۰) را برای عدم وقوع رویداد ارزیابی کنند که کمتر از ارزیابی احتمال ۰/۲۰ ارائه‌شده توسط حسابرسان دارای طرز فکر واقعی است. با توجه به گزاره اساسی نظریه سطح تفسیر که تفسیر انتزاعی احتمال ادراک شده را بدون در نظر گرفتن کانون (تمرکز) کار ارزیابی احتمال کاهش می‌دهد، پیش‌بینی می‌شود حسابرسانی که جهت‌گیری ذهنی انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به حسابرسانی که جهت‌گیری ذهنی واقعی اتخاذ کرده‌اند ارزیابی‌های احتمال ترکیبی ارائه خواهند کرد که به میزان بیشتری از ۱ اختلاف خواهد داشت (واگرا خواهد بود). بر اساس مطالب گفته شده، فرضیه دوم به این صورت بیان می‌شود:

فرضیه دوم: ارزیابی احتمال ترکیبی برای وقوع و عدم وقوع یک رویداد برای حسابرسانی که طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به حسابرسانی که طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند به یک نزدیک‌تر خواهد بود.

۴- روش پژوهش

۴-۱- نوع روش پژوهش

ازنظر هدف، این پژوهش از نوع کاربردی به شمار می‌آید و با توجه به این‌که بخشی از اطلاعات از طریق آزمون‌های تجربی کسب می‌گردد از این‌رو از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، رویکرد پیمایشی (زمینه‌یابی) بر پژوهش حاکم است؛ بنابراین، پژوهش حاضر ازنظر ماهیت و روش تحقیق، توصیفی پیمایشی است. قلمرو زمانی پژوهش حاضر، سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

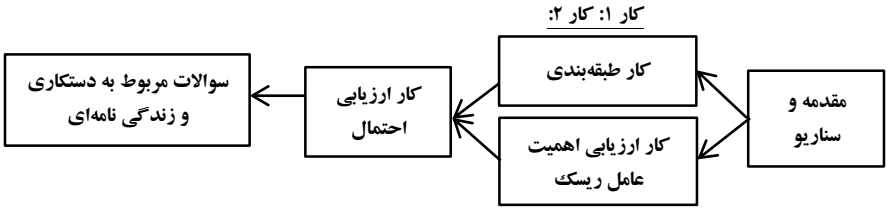
به منظور گردآوری داده‌ها، دو آزمون تجربی به‌طور مجزا از هم (طرح سناریو به همراه پرسشنامه بر اساس پژوهش ویسنر، ۲۰۱۵) که هر یک به صورت طرح عاملی ۲ × ۲ (۴ حالت) بین موضوعات طراحی شده اجرا شد. چهار وضعیت آزمایشی عبارت‌اند از: طرز فکر انتزاعی برای ارزیابی احتمال رویداد، طرز فکر انتزاعی برای ارزیابی احتمال مکمل رویداد، طرز فکر واقعی برای ارزیابی احتمال رویداد، طرز فکر واقعی برای ارزیابی احتمال مکمل رویداد. هر دو آزمون تجربی شامل دو کار تصمیم‌گیری مجزا یعنی کار ۱ و کار ۲ است. کار اول بین آزمون تجربی یک و دو متفاوت است در حالی که کار دوم یکسان باقی خواهد ماند. آزمون تجربی یک که از یک کار حسابرسی به‌عنوان کار ۱ و حسابرسان با تجربه به‌عنوان شرکت‌کنندگان استفاده می‌کند نشان‌دهنده تجزیه‌وتحلیل اصلی است. آزمون تجربی دو که از یک کار آماده‌سازی به‌خوبی تثبیت شده مبتنی بر روانشناسی به‌عنوان کار ۱ و دانشجویان حسابداری به‌عنوان شرکت‌کنندگان استفاده می‌کند به‌عنوان آزمون استحکام برای نتایج به دست آمده از آزمون تجربی اول عمل می‌کند و برای روشن کردن فرآیندهای روان‌شناختی زیربنایی فعال در شرکت‌کنندگان حسابرس طراحی شده است. طرح هر دو آزمایش به طور کامل گرایش طرز فکر تفسیر[1] و کانون[2] (تمرکز) سؤال ارزیابی احتمال بین شرکت‌کنندگان را پیوند می‌دهد. طرز فکر تفسیر در کار ۱ و کانون ارزیابی احتمال در کار ۲ دستکاری می‌شود. در آزمون تجربی یک برای دستکاری طرز فکر تفسیر (انتزاعی یا واقعی) از حسابرسان باتجربه خواسته می‌شود که یک کار حسابرسی که نیاز به دیدگاه انتزاعی (تفسیر سطح بالا) یا دیدگاه واقعی (تفسیر سطح پایین) دارد تکمیل کنند. آزمون تجربی دو که از دانشجویان حسابداری به‌عنوان شرکت‌کننده استفاده می‌کند طرز فکر تفسیر را از طریق کار آماده‌سازی که در ادبیات روانشناسی توسعه‌یافته دستکاری می‌کند. با توجه به این‌که کار ۱ آزمون تجربی دو شامل دستکاری طرز فکر مبتنی بر روانشناسی است، استفاده از افراد دانشجو برای آن موجه است.

در حالت گرایش ذهنی انتزاعی آزمون تجربی یک، برای القای گرایش طرز فکر از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا لیستی از ۳۰ عبارت مربوط به صاحب‌کار حسابرسی فرضی که به صورت تصادفی مرتب شده‌اند را در سه دسته کلی عوامل ریسک تقلب (مشوق‌ها یا فشارها، فرصت‌ها، نگرش‌ها یا توجیهات) طبقه‌بندی کنند. در حالت گرایش ذهنی واقعی از شرکت‌کنندگان خواسته شد به جای طبقه‌بندی مواد اظهار شده به دقت بیان کنند چگونه اطلاعات موجود در هر یک از این ۳۰ بیانیه، ارزیابی آنها از ریسک مرتبط به گروه ریسک

1 Mindset
2 Focus

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

مربوط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ارزیابی اهمیت عامل ریسک). شکل (۱) روش‌های آزمایشی برای آزمون تجربی یک را نشان می‌دهد.



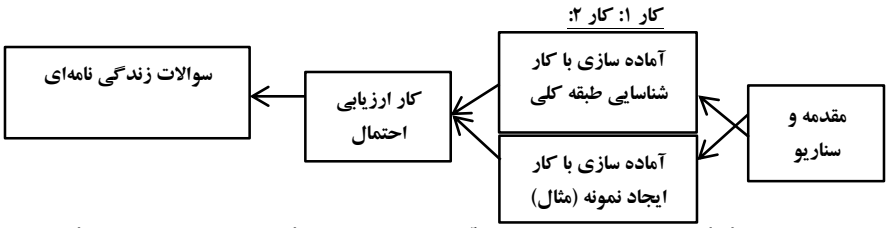
شکل (۱): روش‌های تجربی - آزمون تجربی یک (منبع: ویسنر، ۲۰۱۵)

جدول (۱) چهار حالت آزمایشی و دستکاری گرایش طرز فکر مربوطه را نشان می‌دهد.

جدول (۱): حالت‌های تجربی - آزمون تجربی ۱

حالت	گرایش طرز فکر	روش دستکاری (کار ۱)	کانون کار ارزیابی احتمال
۱	انتزاعی	طبقه‌بندی عوامل	ریسک رویداد
۲	انتزاعی	طبقه‌بندی عوامل	ریسک مکمل
۳	واقعی	اهمیت عوامل	ریسک رویداد
٤	واقعی	اهمیت عوامل	ریسک مکمل

در آزمون تجربی دو، کار آماده‌سازی شناختی برای حالت طرز فکر انتزاعی از شرکت‌کنندگان می‌خواهد تا ۳۰ عبارت را از طریق ایجاد یک گروه مافوق برای کلمه نوشته‌شده (به‌عنوان مثال: کوه، دانشکده و...) در داخل هر جمله (به‌عنوان مثال، کوه نمونه‌ای از چه چیزی است؟) تکمیل کنند. شرکت‌کنندگان در حالت طرز فکر واقعی ۳۰ عبارت را از طریق ایجاد یک نمونه تابع برای کلمه نوشته‌شده در داخل هر جمله (به‌عنوان مثال، یک نمونه از ورزش چه چیزی است؟) تکمیل می‌کنند. شکل (۲) روش‌های آزمایشی برای آزمون تجربی دو را نشان می‌دهد.



شکل (۲): روش‌های تجربی - آزمون تجربی ۲ (منبع: ویسنر، ۲۰۱۵)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (۲) چهار حالت آزمایشی برای آزمون تجربی دو را نشان می‌دهد.

جدول (۲): حالت‌های تجربی - آزمون تجربی ۲

حالت	گرایش طرز فکر	روش آماده سازی (کار ۱)	کانون کار ارزیابی احتمال
۱	انتزاعی	کار شناسایی طبقه کلی تر	رویداد
۲	انتزاعی	کار شناسایی طبقه کلی تر	مکمل
۳	واقعی	کار ایجاد نمونه (مثال)	رویداد
٤	واقعی	کار ایجاد نمونه (مثال)	مکمل

۴-۲- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری آزمون تجربی یک، حسابرسان مستقل حداقل دارای دو سال سابقه کار حسابرسی و در حال حاضر شاغل در حرفه و جامعه آماری آزمون تجربی دو، دانشجویان حسابداری می‌باشد که پرسشنامه از طریق مراجعه حضوری، ایمیل و فاکس به ایشان ارسال شد. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. حداقل حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با توجه به این‌که حجم جامعه نامعلوم و واریانس آن نامشخص است ۹۶ نفر به دست آمده که برای کسب نتایج مطلوب‌تر، تعداد بیشتری از شرکت‌کنندگان به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. همچنین برای بالا بردن اعتبار نتایج آزمون‌های تجربی، در داخل سناریوی آزمون تجربی، سؤالات مرتبط با غربالگری، دستکاری و سؤالات توجه کافی طراحی شده است شرکت‌کنندگانی که از سؤالات مربوط به دستکاری شکست خورند از بررسی کنار گذاشته شدند. در نهایت حجم نمونه نهایی مطالعه یک که پاسخ‌های آنها مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت در آزمون تجربی یک،۲۱۱ شرکت‌کننده و آزمون تجربی دو، ۲۰۸ شرکت‌کننده است.

۴-۳- روش‌ها و ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و متون دیجیتالی) و عمدتاً از طریق جستجو در اینترنت به دست آمده است. هم‌چنین قسمتی از داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه جمع‌آوری شد (روش میدانی). برای بالا بردن اعتبار (روایی) پرسشنامه از مطالعه ادبیات گذشته و قضاوت اساتید راهنما و مشاور و افراد متخصص در تهیه و تنظیم آن و برای محاسبه پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای آزمون تجربی یک ۰/۷۸ و آزمون تجربی دو ۰/۷۶ به دست آمد. با توجه به این‌که مقدار آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷۰ است بنابراین آزمون از پایایی مطلوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر، نرم‌افزار اینترنتی گوگل فرم برای طراحی پرسشنامه استفاده شد و شرکت‌کنندگان به‌طور تصادفی یکی از حالت‌های مختلف آزمایشی را انتخاب کردند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۴-۴- روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه اول، از آزمون t دو نمونه مستقل (T-TEST: مقایسه میانگین دو گروه مستقل) و برای آزمون فرضیه دوم از مدل تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده می‌شود. همچنین قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی چندگانه برای شناسایی متغیرهای کمکی (همپراش) بالقوه انجام می‌شود. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار آماری SPSS 22 استفاده شد.

۴-۵- متغیرها و مدل پژوهش

متغیرهای مستقل در هر دو آزمون تجربی عبارت‌اند از:

۱- **طرز فکر تفسیر** (انتزاعی در مقابل واقعی).

۲- **کانون کار ارزیابی احتمال** (رویداد در مقابل مکمل رویداد برای مثال وقوع یا عدم وقوع).

در متن سناریوی آزمون تجربی، «رویداد[1]» اشاره به قابلیت وصول و «مکمل رویداد[2]» اشاره به عدم قابلیت وصول حساب‌های دریافتنی دارد. شرکت‌کنندگان در حالت رویداد به این سؤال پاسخ می‌دهند که بر اساس اطلاعات سناریو، برآورد شما از احتمال این‌که حساب‌های دریافتنی سال بعد قابل وصول خواهد بود چقدر است؟ شرکت‌کنندگان در حالت مکمل رویداد به این سؤال پاسخ می‌دهند که بر اساس اطلاعات سناریو، برآورد شما از احتمال این‌که حساب‌های دریافتنی در سال بعد غیرقابل‌وصول خواهد بود چقدر است؟

متغیر وابسته در هر دو آزمون تجربی، **قضاوت و تصمیم‌گیری** یعنی «**ارزیابی احتمال**[3]» شرکت‌کنندگان مربوط به توانایی صاحب‌کار فرضی در وصول مانده‌حساب‌های دریافتنی معوق مشتری است، مشارکت‌کنندگان در مقیاس کمی بین صفر تا صد در صد پاسخ دادند.

مدل رگرسیونی پژوهش (بر اساس پژوهش ویسنر، ۲۰۱۵):

$$\text{Probability Assessment} = \beta_0 + \beta_1\text{Mindset Orientation} + \beta_2\text{Focus} + \beta_3\text{Mindset Orientation*Focus} + \beta_4\text{Age} + \beta_5\text{Gender} + \beta_6\text{Audit Experience} + \beta_7\text{Position in Firm} + \beta_8\text{Firm Size} + \beta_9\text{Education} + \beta_{10}\text{Professional Licenses} + \varepsilon$$

Probability Assessment: ارزیابی احتمال (احتمالات ارائه‌شده توسط حسابرسان مربوط به وقوع یک رویداد یعنی توانایی صاحب‌کار فرضی در وصول مانده‌حساب‌های دریافتنی که شرکت‌کنندگان در مقیاس کمی بین ۰٪ و ۱۰۰٪ پاسخ دادند).

1 Event
2 The Event's Complement
3 Probability Assessment

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Mindset Orientation: گرایش طرز فکر (شامل دو حالت یعنی طرز فکر انتزاعی و طرز فکر واقعی می‌باشد. برای طرز فکر انتزاعی، عدد صفر و برای طرز فکر واقعی، عدد یک اختصاص می‌یابد).

Focus: کانون کار ارزیابی احتمال (رویداد در مقابل مکمل رویداد. به منظور اندازه‌گیری این متغیر، برای رویداد، عدد صفر و برای مکمل رویداد، عدد یک اختصاص می‌یابد).

Age: سن (سن پاسخ‌دهنده).

Gender: جنسیت (برای پاسخ‌دهنده زن عدد صفر و مرد عدد یک اختصاص می‌یابد).

Years of Audit Experience: تجربه حسابرسی (از طریق تعداد سال‌هایی که پاسخ‌دهنده به فعالیت حسابرسی مشغول بوده، اندازه‌گیری می‌شود).

Position in Firm: موقعیت در موسسه (جایگاه پاسخ‌گویان در موسسه حسابرسی که شامل حسابرس، حسابرس ارشد، سرپرست حسابرسی، مدیر حسابرسی و شریک حسابرسی می‌باشد و برای اندازه‌گیری این متغیر به ترتیب اعداد یک تا پنج اختصاص می‌یابد).

Firm size: اندازه موسسه (اندازه موسسه حسابرسی که پاسخ‌دهنده در آن موسسه به فعالیت حسابرسی مشغول است. درصورتی‌که سازمان حسابرسی باشد عدد صفر و در غیر این صورت یعنی سایر موسسه‌های حسابرسی، عدد یک اختصاص می‌یابد).

Education: تحصیلات (میزان تحصیلات پاسخ‌گویان شامل لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری می‌باشد و برای اندازه‌گیری این متغیر به ترتیب اعداد یک تا سه اختصاص می‌یابد).

Professional Licenses: مجوز حرفه‌ای (مجوز حرفه‌ای پاسخ‌گویان که برای حسابدار رسمی عدد صفر و مجوزهای دیگر نظیر حسابرس داخلی مجاز، کارشناس رسمی قوه قضاییه و دادگستری و حسابدار مدیریت خبره و ... عدد یک اختصاص می‌یابد).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آزمون تجربی یک

در آزمون تجربی یک، در نهایت پاسخ‌های ۲۱۱ حسابرس مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. حداقل سن ۲۳ و حداکثر ۶۰ و میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۸/۶۵ سال و در متغیر تجربه کار حسابرسی، حداقل ۲ و حداکثر ۳۰ و میانگین ۱۲ سال می‌باشد. ۶۰/۷ درصد شرکت‌کنندگان مرد و ۳۹/۳ درصد زن می‌باشند. ازنظر جایگاه شرکت‌کنندگان در موسسه، ۲۴/۷ درصد حسابرس، ۲۴/۶ درصد حسابرس ارشد، ۱۸ درصد سرپرست حسابرسی، ۲۵/۶ درصد مدیر

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

حسابرسی و ۷/۱ درصد شریک حسابرسی می‌باشند و ازنظر اندازه موسسه حسابرسی، ۳۵/۱ درصد شرکت‌کنندگان در سازمان حسابرسی و ۶۴/۹ درصد در موسسه‌های حسابرسی مشغول به کار می‌باشند. ازنظر میزان تحصیلات ۲۷/۵ درصد لیسانس، ۶۴ درصد فوق‌لیسانس و ۸/۵ درصد دارای مدرک دکتری می‌باشند. از لحاظ مجوز حرفه‌ای ۵۴/۵ درصد حسابدار رسمی و ۴۵/۵ درصد دارای مجوزهای دیگر (حسابرس داخلی مجاز، کارشناس رسمی قوه قضاییه و دادگستری و...) می‌باشند. برای آزمون نرمال بودن متغیر وابسته از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد با توجه به این‌که سطح معناداری در این آزمون (sig=۰/۰۶۲) بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار است.

قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها از طریق آزمون تی و آنالیز واریانس، رگرسیون خطی به منظور شناسایی متغیرهای کمکی بالقوه انجام شد. همه متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنسیت، سابقه حسابرسی، موقعیت در موسسه، اندازه شرکت، تحصیلات و مجوز حرفه‌ای) به طور هم‌زمان بر روی متغیر وابسته رگرسیون شدند. نتایج رگرسیون نشان داد که هیچ‌یک از متغیرهای کمکی دارای تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نمی‌باشند (P-value>۰/۰۵). از این‌رو تحلیل واریانس، متغیرهای کمکی را شامل نمی‌شود. با توجه به معنادار بودن متغیرهای مستقل گرایش طرز فکر و کانون و عدم معناداری متغیرهای کمکی، مجدداً رگرسیون خطی فقط با وارد کردن دو متغیر مستقل به همراه اثر تعاملی آنها انجام گرفت (جدول ۳).

جدول (۳): نتایج تحلیل رگرسیون (متغیر وابسته: ارزیابی احتمال)

متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیونی (B)	خطای استاندارد	مقدار آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig)
مقدار ثابت	Constant	۲۵/۲۷۶	۱۱/۹۲۷	۲/۱۱۹	۰/۰۳۵
گرایش طرز فکر	Mindset Orientation	۱۹/۷٤	۷/۵۱٤	۲/٦۲۷	۰/۰۰۹
کانون	Focus	۲۱/۷۰۱	۷/۵۳٤	۲/۸۸	۰/۰۰٤
گرایش طرز فکر * کانون	Mindset Orientation * Focus	-۷/۲۷۵	٤/۷۵۹	-۱/۵۲۹	۰/۱۲۸
ضریب همبستگی پیرسون (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف (F)	سطح معناداری آماره اف
۰/۳۸٦	۰/۱٤۹	۰/۱۳٦	۱/۷۷	۱۲/۰۵۹	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری متغیر گرایش طرز فکر و کانون به ترتیب برابر با ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۴ می‌باشد با توجه به این‌که سطح معناداری این

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو این متغیرها در مدل معنادار بوده و نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار این متغیر بر متغیر وابسته است.

سطح معناداری متغیر تعاملی گرایش طرز فکر * کانون برابر با ۰/۱۲۸ می‌باشد به دلیل سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد، تعامل پیش‌بینی‌شده طرز فکر با کانون تائید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۱۳/۶ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل موجود در مدل توانسته است ۱۳/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. به منظور بررسی معنادار بودن مدل از آزمون اف استفاده شد آماره Fبرابر با ۱۲/۰۵۹ و چون سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

۵-۱-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

فرضیه اول با استفاده از t-test مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه اول، آزمون t مقایسه میانگین احتمالات ارزیابی شده توسط شرکت‌کنندگان در حالت طرز فکر واقعی/ رویداد با ارزیابی‌های آنها در حالت طرز فکر انتزاعی/ رویداد انجام شد. با توجه به نتایج آزمون لوین (F=۱/۲۹ و Sig=۰/۲۵۸) به دلیل این‌که سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین واریانس‌های دو گروه همگن هستند.

نتایج آزمون t نشان داده شده در جدول (۴) نشان می‌دهد که به طور متوسط، حسابرسان در حالت طرز فکر واقعی احتمال این‌که حساب‌های دریافتنی قابل وصول خواهد بود را نسبتاً بیشتر (میانگین ۷۱/۹۰) از حسابرسان در حالت طرز فکر انتزاعی (میانگین ۵۹/۴۴) ارزیابی کردند. با توجه به آماره t و سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۲) نتیجه می‌شود این تفاوت ازنظر آماری معنادار است و نشان‌دهنده اندازه اثر متوسط (به بالا) است (d کوهن ۰/۵۸ و r پیرسون ۰/۲۹۱)؛ و با توجه به این‌که طبق نتایج آزمون تی حد بالا و پایین هر دو گروه مثبت به دست آمده نتیجه می‌شود میانگین گروه اول (طرز فکر واقعی) از میانگین گروه دوم (طرز فکر انتزاعی) بزرگ‌تر است؛ بنابراین فرضیه اول تائید می‌شود.

جدول (٤): نتایج آزمون t - آزمون فرضیه اول

حالت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد (s.d)	آماره تی (t)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (2-tailed)	اندازه اثر (Effect Size)	
							ضریب همبستگی پیرسون (r)	d کوهن
واقعی/ رویداد	٥٤	۷۱/۹۰	۲۱/۸۲	۳/۱۰۱	۱۰٤	۰/۰۰۲	۰/۲۹۱	۰/۵۸
انتزاعی/ رویداد	٥۲	٥۹/٤٤	۱۹/٤٤					

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۵-۱-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم با استفاده از آنالیز واریانس مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه دوم، داده‌های حاصل از نمونه کامل (۲۱۱ شرکت‌کننده) استفاده شد. آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌ها استفاده شد و به دلیل این‌که سطح معناداری (۰/۱۸۷) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین واریانس‌ها همگن هستند. جدول (۵) پانل الف آمار توصیفی برای ارزیابی احتمال شرکت‌کنندگان مربوط به قابلیت وصول حساب‌های دریافتنی تحت هر یک از چهار حالت را نشان می‌دهد. با توجه به این‌که فرضیه دوم اثر تعاملی معناداری بین طرز فکر و کانون پیش‌بینی می‌کند، میانگین احتمالات پیش‌بینی‌شده برای رویداد (یعنی، ۷۱/۹۰٪) باید نزدیک به (و از لحاظ نظری برابر با) یک منهای احتمال مکمل پیش‌بینی‌شده (یعنی، ۷۹/۰۵٪) باشد زیرا هر دو ارزیابی احتمال پیامد یکسانی را اندازه‌گیری می‌کنند (یعنی، رویداد)؛ بنابراین با کوچک‌تر شدن تفاوت بین این دو متوسط ارزیابی احتمال، مجموع ارزیابی احتمال رویداد و احتمال مکمل به ۱ (یعنی، ۱۰۰٪) نزدیک‌تر خواهد بود. این بدین معنی است که از طریق مقایسه میانگین‌ها برای ارزیابی‌های احتمال رویداد اندازه‌گیری شده با ارزیابی‌های احتمال رویداد ضمنی (یک منهای احتمال مکمل)، درجه‌ای که مجموع میانگین احتمالات رویداد و میانگین احتمالات مکمل برابر ۱ نمی‌شود (و در نتیجه مکمل‌های کامل را شکل نمی‌دهد) می‌تواند استنباط شود. اختلاف بزرگ‌تر بین احتمال پیش‌بینی‌شده رویداد و احتمال پیش‌بینی‌شده مکمل (متعاقباً به احتمال ضمنی از رویداد تبدیل شده) در نتیجه یک اندازه‌گیری قابل آزمون از سوگیری در قضاوت حسابرسانی که گرایش طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نشان می‌دهد. بر خلاف انتظار، نتایج تحلیل واریانس، تعامل پیش‌بینی‌شده طرز فکر با کانون را تائید نمی‌کند به دلیل این‌که سطح معناداری (۰/۱۲۸) بزرگ‌تر از ۵ درصد است به عبارتی می‌توان گفت اثر متقابل بین این دو فاکتور وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم تائید نمی‌شود. نتایج تحلیل واریانس همچنین یک اثر اصلی معنادار فرض نشده برای متغیر کانون نشان می‌دهد (Sig=۰/۰۰۰)، یعنی بین میانگین‌های گروه‌های مختلف با توجه به متغیر کانون تفاوت وجود دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (۵): نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)

قسمت الف: آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، تعداد)

گرایش طرز فکر	کانون: رویداد میانگین	رویداد انحراف استاندارد	رویداد تعداد	مکمل میانگین	مکمل انحراف استاندارد	مکمل تعداد	کل میانگین	کل انحراف استاندارد	کل تعداد
انتزاعی	۵۹/۴۴	۱۹/۴۴	۵۲	۷۳/۸۶	۱۳/۴۸	۵۳	۶۶/۷۲	۱۸/۱۳	۱۰۵
واقعی	۷۱/۹۰	۲۱/۸۲	۵۴	۷۹/۰۵	۱۲/۳۸	۵۲	۷۵/۴۱	۱۸/۱۰	۱۰۶
کل کانون	۶۵/۷۹	۲۱/۵۲	۱۰۶	۷۶/۴۳	۱۳/۱۵	۱۰۵	۷۱/۰۹	۱۸/۵۹	۲۱۱

قسمت ب: نتایج تحلیل واریانس با ارزیابی احتمال رویداد به‌عنوان متغیر وابسته

منبع	مجموع مربعات (S.S)	درجه آزادی (d.f)	میانگین مربعات (M.S)	آماره اف (F)	سطح معناداری
گرایش طرز فکر (Mindset Orientation)	۴۱۰۹/۴۶	۱	۴۱۰۹/۴۶	۱۳/۷۶۵	۰,۰۰۰
کانون (Focus)	۶۱۳۷/۵۳	۱	۶۱۳۷/۵۳	۲۰/۵۵۸	۰,۰۰۰
گرایش طرز فکر* کانون (Orientation*Focus Mindset)	۶۹۷/۸۴	۱	۶۹۷/۸۴	۲/۳۳۷	۰/۱۲۸۵
خطا	۶۱۸۰۰/۲۶	۲۰۷	۲۹۸/۵۵		
کل	۱۱۳۸۹۵۲	۲۱۱			

۵-۲- نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آزمون تجربی دو

در آزمون تجربی دو، در مجموع پاسخ‌های ۲۰۸ دانشجوی حسابداری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. آمار توصیفی برخی متغیرهای جمعیت شناختی در جدول (۶) ارایه شده است. ملاحظه می‌گردد حداقل سن ۲۰ و حداکثر ۴۶ و میانگین پاسخ‌دهندگان ۲۸/۳۳ سال و تجربه حسابرسی، حداقل ۰ سال و حداکثر آن ۶۰ ماه و میانگین ۹/۱۲ ماه و در متغیر تجربه کار کلی حداقل ۰ و حداکثر ۱۱ و میانگین آن ۱/۹۵ سال می‌باشد. ۵۷/۷ درصد شرکت‌کنندگان مرد و ۴۲/۳ درصد زن می‌باشند. در توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان در مورد گذراندن کلاس حسابرسی، ۹۲/۳ درصد شرکت‌کنندگان اظهار کردند که آنها حداقل یک کلاس حسابرسی گذرانده‌اند ۷/۷ درصد کلاس حسابرسی نگذرانده‌اند. با توجه قصد شرکت‌کنندگان در کار کردن به‌عنوان حسابرس پس از فارغ‌التحصیلی، ۶۰/۱ درصد بله ۲۰/۷ درصد خیر و ۱۹/۲ درصد نمی‌دانم پاسخ دادند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (٦): آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
سن (سال)	۲۰۸	۲۰ سال	٤٦ سال	۲۸/۳۳	۵/۱	۲٦/۱
تجربه حسابرسی (ماه)	۲۰۸	۰	٦۰ ماه	۹/۱۲	۱٤/٦۱	۲۱۳/۵۳
تجربه کار کلی (سال)	۲۰۸	۰	۱۱	۱/۹۵	۲/۱۱	٤/٤۷٤

با توجه به این‌که سطح معناداری (۰/۲۴۵) آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمد بنابراین داده‌های از توزیع نرمال برخوردار است. قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی به منظور شناسایی متغیرهای کمکی بالقوه انجام شد. همه متغیرهای جمعیت شناختی به طور هم‌زمان بر روی متغیر وابسته رگرسیون شدند. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای کمکی دارای تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نمی‌باشند (P-value>۰/۰۵). با توجه به معنادار بودن متغیرهای مستقل گرایش طرز فکر و کانون در مدل رگرسیون و عدم معناداری متغیرهای کمکی، مجدداً رگرسیون خطی فقط با وارد کردن دو متغیر مستقل به همراه اثر تعاملی آنها انجام گرفت (جدول ۷).

جدول (۷): نتایج تحلیل رگرسیون (متغیر وابسته: ارزیابی احتمال)

متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیونی (B)	خطای استاندارد	مقدار آماره تی (t)	سطح معناداری (Sig)
مقدار ثابت	Constant	۸/۰۳۸	۱۲/۸۹۸	۰/٦۲۳	۰/۵۳٤
گرایش طرز فکر	Mindset Orientation	۲۳/۷۳۱	۸/۱۵۸	۲/۹۰۹	۰/۰۰٤
کانون	Focus	۳۳/۹۰٤	۸/۱۵۸	٤/۱۵٦	۰/۰۰۰
گرایش طرز فکر* کانون	Mindset Orientation * Focus	-۱۰/۸٦۵	۵/۱۵۹	-۲/۱۰٦	۰/۰۳٦
ضریب همبستگی پیرسون (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف (F)	سطح معناداری آماره اف
۰/٤۷۵	۰/۲۲۵	۰/۲۱٤	۱/۹۱۲	۱۹/۷۷۲	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری متغیر گرایش طرز فکر و کانون و اثر تعاملی آنها به ترتیب برابر با ۰/۰،۰۰۰/۰۰۴ و ۰/۰۳۶ می‌باشد با توجه به این‌که سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد در نتیجه، این متغیرها دارای تأثیر معناداری بر متغیر وابسته می‌باشند.

۵-۲-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

مشابه با تجزیه‌وتحلیل برای آزمون تجربی یک، آزمون t مقایسه میانگین احتمالات ارزیابی شده توسط شرکت‌کنندگان در حالت طرز فکر واقعی/ رویداد با احتمالات ارزیابی شده در حالت طرز فکر انتزاعی/ رویداد انجام شد. با توجه به نتایج آزمون لوین (۵/۳۶ =F و ۰/۱۹۵=Sig) به دلیل

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

این‌که سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین واریانس‌های دو گروه با هم برابر هستند. نتایج آزمون t ارایه شده در جدول (۸) نشان می‌دهد که به طور متوسط، شرکت‌کنندگان در حالت طرز فکر واقعی احتمال این‌که حساب‌های دریافتنی قابل وصول خواهد بود (متوسط ۶۷/۶۷) را بیشتر از شرکت‌کنندگان در حالت طرز فکر انتزاعی (میانگین ۵۴/۸۰) ارزیابی کردند. آماره t برابر با ۲/۷۷۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۷ به دست آمده که به دلیل این‌که از ۵ درصد کمتر است نتیجه می‌شود این تفاوت ازنظر آماری معنادار است و نشان‌دهنده اندازه اثر متوسط (به بالا) است (d کوهن ۰/۶۱ و r پیرسون ۰/۲۶۵). با توجه به این‌که طبق نتایج آزمون تی حد بالا و پایین هر دو گروه مثبت است نتیجه می‌شود میانگین گروه اول (طرز فکر واقعی) از میانگین گروه دوم (طرز فکر انتزاعی) بزرگ‌تر است؛ بنابراین فرضیه اول تائید می‌شود.

جدول (۸): نتایج آزمون t - آزمون فرضیه اول

حالت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد (s.d)	آماره تی (t)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (2-tailed)	اندازه اثر (Effect Size)	
							ضریب همبستگی پیرسون (r)	d کوهن
واقعی/رویداد	۵۲	٦٧/٦٧	۲۰/٤۰	۲/۷۷۵	۱۰۲	۰/۰۰۷	۰/۲٦۵	۰/٦۱
انتزاعی/رویداد	۵۲	٥٤/۸۰	۲٦/٤۸					

۵-۲-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم با استفاده از آنالیز واریانس مورد آزمون قرار گرفت. همانند آزمایش تجربی یک، ارزیابی‌های احتمال ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان در حالت‌های مکمل به ارزیابی‌های احتمال رویداد ضمنی (یعنی، محاسبه شده از طریق ۱ منهای احتمال مکمل) تبدیل شد به طوری که همه پاسخ‌ها مربوط به اندازه‌گیری متغیر وابسته یکسانی شوند و در نتیجه استفاده از آزمون تحلیل واریانس مجاز شود. آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌ها استفاده شد به دلیل این‌که سطح معناداری (۰/۳۶۱) بزرگ‌تر از ۰،۰۵ می‌باشد بنابراین واریانس‌ها همگن هستند.

جدول (۹) پانل الف آمار توصیفی برای ارزیابی احتمال شرکت‌کنندگان مربوط به قابلیت وصول حساب‌های دریافتنی تحت هریک از چهار حالت طرز عمل را نشان می‌دهد. نتایج تحلیل واریانس گزارش شده در جدول ۹ پانل ب، ارتباط متقابل پیش‌بینی‌شده طرز فکر با کانون را تائید می‌کند به دلیل این‌که سطح معناداری (۰/۰۳۶) کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم تائید می‌شود. نتایج تحلیل واریانس همچنین یک اثر اصلی معنادار فرض نشده برای متغیر کانون نشان می‌دهد (Sig = ۰/۰۰۰).

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول (۹): نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)

قسمت الف: آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، تعداد)

گرایش طرز فکر	کانون: رویداد میانگین	رویداد انحراف استاندارد	رویداد تعداد	مکمل میانگین	مکمل انحراف استاندارد	مکمل تعداد	کل گرایش طرز فکر میانگین	کل گرایش طرز فکر انحراف استاندارد	کل گرایش طرز فکر تعداد
انتزاعی	٥٤/٥٨٠	٢٦/٤٨	٥٢	٧٧/٨٤	١٢/٥١	٥٢	٦٦/٣٢	٢٣/٦٤	١٠٤
واقعی	٦٧/٦٧	٢٠/٤٠	٥٢	٧٩/٨٤	١٠/٤٧	٥٢	٧٣/٧٥	١٧/٢٥	١٠٤
کل کانون	٦١/٢٤	٢٤/٣٩	١٠٤	٧٨/٨٤	١١/٥٢	١٠٤	٧٠/٠٤	٢٠/٩٨	٢٠٨

قسمت ب: نتایج تحلیل واریانس با ارزیابی احتمال رویداد به‌عنوان متغیر وابسته

منبع	مجموع مربعات (S.S)	درجه آزادی (d.f)	میانگین مربعات (M.S)	آماره اف (F)	سطح معناداری
گرایش طرز فکر (Mindset Orientation)	٢٨٧٢/٧٣٦	١	٢٨٧٢/٧٣٦	٨/٣٠٢	٠/٠٠٤
کانون (Focus)	١٦١١٨/٠٨	١	١٦١١٨/٠٨	٤٦/٥٧٨	٠/٠٠٠
گرایش طرز فکر* کانون (Orientation*Focus Mindset)	١٥٣٤/٧٣	١	١٥٣٤/٧٣	٤/٤٣٥	٠/٠٣٦
خطا	٧٠٥٩٣/٠٥	٢٠٤	٣٦٤/٠٤٤		
کل	١١١١٥٧٩	٢٠٨			

با توجه به اثر اصلی معنادار غیرمنتظره برای متغیر مستقل کانون در هر دو آزمون تجربی و نبود اثر متقابل معنی‌دار در آزمون تجربی یک، آزمون اضافی به منظور روشن کردن این نتایج انجام گرفت. آزمون تعقیبی بحث ارتباط فرضیه یک و دو، یعنی، پیش‌بینی این‌که افرادی که گرایش طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به افرادی که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند احتمالات مکمل را نیز پایین‌تر ارزیابی می‌کنند را بررسی کرد. آزمون t اعمال شده به داده‌های حاصل از آزمون تجربی یک (حالت انتزاعی/ مکمل و حالت واقعی/ مکمل) نشان می‌دهد که به طور متوسط، حسابرسان در حالت طرز فکر واقعی احتمال این‌که حساب‌های دریافتنی غیرقابل‌وصول خواهد بود (میانگین ۲۰/۹۴) را کمتر از حسابرسان در حالت طرز فکر انتزاعی (میانگین ۲۶/۱۳) ارزیابی کردند؛ بنابراین این فرضیه که افرادی که گرایش طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به افرادی که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند احتمالات مکمل را نیز پایین‌تر ارزیابی مورد می‌کنند تائید نشد. آزمون t مشابه اعمال شده به داده‌های حاصل از آزمون تجربی دو الگوی مشابهی را نشان داد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش اثرات روانی عمیق‌تر که پایه قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس است را بررسی می‌کند و استدلال می‌کند که این اثرات روانی قدرت توضیحی گسترده‌تری دارد. نتایج حاصل از این پژوهش، اهمیت توجه به اثرات گرایش طرز فکر ناشی از کار بر قضاوت‌های شهودی را برجسته می‌کند. نتایج آزمون تجربی اول نشان می‌دهد که حسابرسانی که گرایش طرز فکر انتزاعی در نتیجه کار حسابرسی قبلی نامرتبط اتخاذ کرده‌اند نسبت به همتایان خود که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند ارزیابی‌های احتمال کمتری ارائه می‌کنند. به عبارتی، گرایش طرز فکر تفسیر، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بااین‌حال نتایج پژوهش، ارتباط پیش‌بینی‌شده از این‌که آیا قضاوت احتمال بر رویداد (یعنی، قابلیت وصول حساب‌های دریافتنی) و یا مکمل رویداد (یعنی، عدم قابلیت وصول حساب‌های دریافتنی) متمرکز شده را پشتیبانی نمی‌کند. احتمالاً به علت ناآشنایی نسبی حسابرسان با شیوه‌ای که در آن سؤال مکمل احتمال مطرح‌شده، کانون سؤال احتمال ممکن است قضاوت حسابرسان را تحت تأثیر قرار داده و جهت‌گیری تصمیم‌گیری مفروض که مورد انتظار بود به‌عنوان یک اثر تعاملی معنی‌دار ظاهر شود را خنثی کرده است.

نتایج حاصل از آزمون تجربی دوم که برای روشن کردن فرایندهای روان‌شناختی اساسی فعال در شرکت‌کنندگان حسابرس طراحی شده بود اثرات مفروض را پشتیبانی کرد. در آزمون تجربی دو، شرکت‌کنندگان دانشجو که گرایش طرز فکر انتزاعی به‌عنوان یک نتیجه از کار آماده‌سازی طرز فکر تفسیر، اتخاذ کرده‌اند ارزیابی‌های احتمال پایین‌تری نسبت به همتایان خود که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند ارائه کردند. علاوه بر این، سوگیری قضاوت فرض شده مربوط به ارزیابی‌های احتمال ترکیبی (یعنی، احتمال رویداد به اضافه احتمال مکمل) که برای شرکت‌کنندگانی که گرایش طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند دورتر از یک است پشتیبانی شد. در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش، بینش‌هایی را آشکار می‌کند که باید به طور یکسان مورد توجه پژوهشگران حسابداری و روانشناسی باشد به‌طوری‌که پیش‌بینی‌های مبتنی بر نظریه سطح تفسیر در مورد قضاوت‌های احتمال ممکن است در وضعیت‌هایی که در آن قضاوت مسئله مورد نظر به دلیل عدم مواجهه قبلی و یا کانون (تمرکز) سؤال قضاوت برای تصمیم‌گیرنده نسبتاً ناشناخته است به قوت خود باقی نماند.

به‌طور کلی، نتایج حاصل از این مطالعه پیامدهای مهمی برای عمل حسابرسی دارد به طوری که آن نشان می‌دهد که طرز فکر ناشی از کار می‌تواند قضاوت مربوط به یک کار بعدی را حتی زمانی که کار اخیر به طور کامل به کار قبلی نامربوط است تحت تأثیر قرار دهد. با

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

برجسته کردن این‌کـه چگونه انتزاع کـار می‌تواند طرز فکر تفسیر و از این رو قضاوت‌های ارزش‌گذارانه را تحت تأثیر قرار دهد این مطالعه، پایه‌ای برای پژوهش‌های آتی در مورد اثرات گرایش طرز فکر تفسیر بر پیش‌بینی‌ها، ترجیحات و اقدامات اعضای حرفه حسابداری پی‌ریزی می‌کند. به طور خلاصه، نتایج گزارش شده در این پژوهش نشان می‌دهد که فاصله روانی به‌طور نظام‌مند قضاوت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج این پژوهش، با پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه حسابداری مالی نیز مطابقت دارد این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جهت‌گیری طرز فکر، قضاوت و رفتار سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد (به‌عنوان مثال لاندهولم، روگو و ژانگ[1]، ۲۰۱۴). نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که گرایش طرز فکر تفسیر، ارزیابی‌های احتمال حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد به‌طوری‌که حسابرسانی که گرایش طرز فکر انتزاعی اتخاذ کرده‌اند در مقایسه با حسابرسانی که گرایش طرز فکر واقعی اتخاذ کرده‌اند، ارزیابی‌های احتمال پایین‌تری ارائه می‌کنند. این نتیجه، مطابق با نتیجه پژوهش ویسنر (۲۰۱۵) با عنوان بررسی تأثیر گرایش ذهنی تفسیر بر ارزیابی احتمال حسابرسان است. او به این نتیجه رسید که گرایش ذهنی تفسیر، بر ارزیابی احتمال حسابرسان تأثیر دارد به‌طوری‌که حسابرسانی که در اثر کار حسابرسی قبلی، ذهنیت انتزاعی اتخاذ کرده‌اند نسبت به حسابرسانی که ذهنیت واقعی اتخاذ کرده‌اند، ارزیابی‌های احتمال کمتری در مورد وقوع یک رویداد اظهار می‌کنند. این نتیجه، همچنین مطابق با نتیجه پژوهش تراپ و همکاران (۲۰۰۷) است که بیان کردند که سطح تفسیر به‌عنوان یک نوع بازنمایی ذهنی، پیش‌بینی‌ها، ارزیابی‌ها و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرضیه دوم، یک اثر متقابل بین گرایش طرز فکر و کانون (رویداد و مکمل رویداد) فرض کرد. نتیجه آزمون فرضیه دوم در آزمایش تجربی یک نشان می‌دهد که تعامل پیش‌بینی‌شده دو متغیر گرایش طرز فکر و کانون تائید نمی‌شود به عبارتی می‌توان گفت اثر متقابل بین این دو متغیر وجود ندارد. این نتیجه، مطابق با نتیجه پژوهش ویسنر (۲۰۱۵) است. او به این نتیجه رسید که بین گرایش ذهنی تفسیر (انتزاعی در مقابل واقعی) و کانون سؤال احتمال (وقوع یا عدم وقوع رویداد) اثر تعاملی وجود ندارد. نتایج مطالعه تجربی یک همچنین در راستای نتایج پژوهش مالکوس و همکاران (۲۰۱۰) است که به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های تصمیم‌گیرندگان بلافاصله قبل از تصمیمشان، درجه سوگیری موجود ذاتی در تصمیم آنها را بسته به این‌که آیا کارهای قبل نیاز به یک حالت پردازش انتزاعی یا یک حالت

1Lundholm, Rogo and Zhang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

پردازش واقعی داشته تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج مطالعه یک همچنین مطابق با پژوهش‌های بکوف و همکاران (۲۰۱۴)، راسو (۲۰۱۳)، الیوت و همکاران (۲۰۱۴)، است که به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری طرز فکر کلی، رفتار و قضاوت‌های تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷- پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

از طریق تأکید بر طرز فکر ناشی از کار، این پژوهش پیامدهای مهمی برای عمل حسابرسی دارد ازآنجایی‌که مطالعه نشان می‌دهد که توالی کار می‌تواند قضاوت را در نبود هرگونه رابطه معنی‌داری بین کار قبلی و کار بعدی تحت تأثیر قرار دهد. این یافته باید مورد توجه حسابرسانی قرار گیرد که در محیط‌هایی کار می‌کنند که نیاز به تغییرات مکرر در تمرکز به علت صاحب‌کاران یا تقاضاهای پروژه‌های متعدد دارد. آگاهی از این واقعیت که ارزیابی‌ها از احتمال وقوع یک رویداد ممکن است تحت تأثیر درجه تفکر انتزاعی موردنیاز برای کار قبلی قرار گیرد می‌تواند حسابرسان را در اجتناب از ایجاد ارزیابی‌های احتمال بیش‌ازحد خوش‌بینانه (یا بدبینانه) و همچنین سوگیری در قضاوت و تصمیم‌گیری‌ها کمک کند.

بنابراین مطالعه حاضر با نشان دادن این که انتزاع از یک کار قبلی می‌تواند به‌طور عادی قضاوت‌های احتمال مواجه شده را تحت تأثیر قرار دهد، توجه را به اجتناب از تصمیم‌گیری‌های به طور بالقوه تورش دار (سوگیرانه) در میان حرفه‌ای‌های حسابرسی جلب می‌کند. با توجه به فراگیر بودن قضاوت‌های احتمال در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای، نتایج گزارش شده می‌تواند موردعلاقه طیف گسترده‌ای از متخصصان و دانشگاهیان باشد. این مطالعه همچنین به ادبیات حسابداری کمک می‌کند ازآنجاکه تمرکز بر طرز فکر تصمیم‌گیرندگان، این امکان را برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌کند تا پیامدهای طرز فکر ناشی از کار که ممکن است حسابرسان و همچنین دیگر حرفه‌ای‌های حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد بیشتر بررسی کنند.

پژوهش ممکن است محدودیت‌های پرسشنامه نظیر عدم دقت کافی مشارکت‌کنندگان و درک نکردن مفهوم برخی از سؤالات را دارا باشد. برای رفع این محدودیت، در پرسشنامه سؤالات توجه کافی و سؤالات مربوط به دستکاری گنجانده شده است. محدودیت بعدی به نبود کار مشابه و فقدان منابع علمی قابل‌دسترس مربوط می‌شود. محدودیت دیگر این مطالعه این است که میزانی که شرکت‌کنندگان به کارهای مربوطه‌شان توجه می‌کنند نمی‌تواند به طور مداوم اندازه‌گیری شود. در تکمیل پرسشنامه‌های ارسالی شرکت‌کنندگان ممکن است بین تکمیل کار دستکاری طرز فکر و کار ارزیابی احتمال وقفه‌ای ایجاد کرده باشند (مثلاً استراحت

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

کنند یا مشغول فعالیت دیگری شوند)، در نتیجه، گرایش طرز فکر آغازی ممکن است بسته به ماهیت فعالیتی که در آن شرکت‌کنندگان در طول وقفه درگیر شده‌اند معکوس شده باشد.

۸- منابع

حاجیها، زهره؛ احمد گودرزی و زهرا فتاحی. (۱۳۹۲). ارتباط ویژگی‌های تردید حرفه‌ای حسابرسان و قضاوت و تصمیم‌گیری آنها، **فصلنامه حسابداری مدیریت** ۶(۱۹): ۵۹-۴۳.

حیرانی، فروغ؛ حمیدرضا وکیلی‌فرد؛ بهمن بنی‌مهد و فریدون رهنمای رودپشتی. (۱۳۹۵). تأثیر شخصیت حرفه‌ای‌گرا، ضداجتماعی و بیش اعتمادی حسابرسان بر قضاوت آنها در حل تعارض میان حسابرس و مدیریت، **فصلنامه حسابداری مالی** ۸(۳۲): ۱۴۳-۱۰۶.

فروغی، میثم؛ علیرضا جعفری و رحمت اله نادری بنی. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر قضاوت‌های اخلاقی در بین جامعه حسابداران رسمی ایران، **فصلنامه حسابداری مالی** ۶(۲۲): ۱۳۳-۱۱۴.

Backof, A.G., J.M. Thayer, and T. Carpenter. (2014). **Auditing complex estimates: Managementprovided evidence and auditors' consideration of inconsistentevidence**.WorkingPaper.

Bhattacharjee, S., M. J. Maletta, and K.K. Moreno. (2013). Auditors' judgment errors when working on multiple tasks and in multiple client environments: A research summary and practice implications. **Current Issues in Auditing** 7(1): 1-8.

Elliott, W.B., K.M. Rennekamp, and B.J. White. (2014). Does concrete anguage in disclosures increase willingness to invest? **Review of Accounting Studies** 1-27.

Liberman, N., and Y. Trope. (1998). The role of feasibility and desirability considerations in near and distant future decisions: A test of temporal construal theory. **Journal of Personality and Social Psychology** 75(1): 5-18.

Liberman, N., and Y. Trope. (2008). The psychology of transcending the here and now. **Science** 322 (5905): 1201-1205.

Liberman, N., Y. Trope, and C. Wakslak, (2007). Construal level theory and consumer behavior. **Journal of Consumer Psychology** 17(2): 113-117.

Lindberg, D.L., and M. J. Maletta. (2003). An examination of memory conjunction errors in multiple client audit environments. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 22(1): 127-141.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Lundholm, R.J., R. Rogo, and J.L. Zhang. (2014). restoring the tower of Babel: How foreign firms communicate with U.S. investors. **The Accounting Review** 89(4): 1453-1485.

Malkoc, S.A., G. Zauberman, and J.R. Bettman. (2010). Unstuck from the concrete: Carryover effects of abstract mindsets in intertemporal preferences**. Organizational Behavior and Human Decision Processes** 113(2): 112-126.

McPhee, G. (2014). **The effects of tangible rewards, payoff timing, and task type on performance**. Working Paper. Florida International University.

O'Donnell, E., and J.J. Schultz, Jr. (2005). The halo effect in business risk audits: Can strategic risk assessment bias auditor judgment about accounting details?, **The Accounting Review** 80(3): 921-939.

Phuong Hanh, T., R. Samira, and F. Jean-Marc. (2017). **Construal level theory and perceived proximity: New Study Opportunities for Retailers in an Emerging market**. Doctoral thesis, Lemna-Largercia, ONIRIS, Nantes: 2.

Rasso, J. (2013). **Psychological Distance: The Relation between Construals, Mindsets, and Professional Skepticism**. University of South Florida, 5.

Trope, Y., and N. Liberman. (2010). Construal-level theory of psychological distance. **Psychological Review** 117(2): 440-463.

Trope, Y., N. Liberman, and C. Wakslak. (2007). Construal levels and psychological distance: Effects on representation, prediction, evaluation, and behavior. **Journal of Consumer Psychology** 17(2): 83-95.

Wakslak, C., and Y. Trope. (2009). The effect of construal level on subjective probability estimates. **Psychological Science** 20(1): 52-58.

Weisner, M. (2015). **Three Studies Examining the Effects of Psychological Distance on Judgment and Decision Making in Accounting**. University of Central Florida.

Weisner, M.M., and S.G. Sutton. (2015). When the world isn't always flat: The impact of psychological distance on auditors' reliance on specialists. **International Journal of Accounting Information Systems** 16: 23.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

White, B.J. (2014). **How do fair value disclosures affect investors' judgments of estimate uncertainty and firm value?** The role of investment horizon. Working Paper. Available at SSRN: http://ssrn.com/abstract= 2224077.

Wiebe, J., D.Z. Basil, and M. Runté. (2016). **Psychological distance and perceived consumer effectiveness in a cause-related marketing context**. Int Rev Public Nonprofit Mark, 1.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]